

نماز کامل از دیدگاه امام صادق(ع)

حماد بن عیسی گفت: در محضر امام صادق(ع) بودم، به من فرمود: آیا می‌توانی نماز را خوب بخوانی؟ عرض کردم: چگونه نمی‌توانم و حال آنکه کتابت حزیز را که درباره نماز مناسبت شده است، از حفظ دارم. حضرت فرمود: برای تو ضرر ندارد، در برخی و نمازی بخوان تا من ببینم که چگونه می‌خوانی. حسب‌الامر حضرت رو به قبله ایستادم و شروع به خواندن نماز کردم. تمام نماز را از نظر رکوع و سجود به‌جای آوردم، اما حضرت آن را نپسندید و فرمود: نماز را خوب نخواندی.

واقعاً چقدر زشت است برای مردی که شصت‌هفتاد سال از عمرش می‌گذرد و حال آنکه نمی‌تواند یک نماز کامل با مراعات حدود کامله آن بخواند. من خجالت کشیدم و خود را کوچک دیدم.

عرض کردم: فدایت شوم، شما نماز را به من تعلیم دهید. پس، امام(ع) رو به قبله راست ایستاد و دست‌های خود را آزاد گذارند و انگشت‌های دست آن حضرت بهم گمارده شده بود و مابین دو قدم آن حضرت از سه انگشت باز و بیشتر فاصله نداشت و انگشت‌های پای خود را رو به قبله کردند و تا آخر نماز خم رو به قبله بود و با تواضع و حضور قلب گفتند: الله‌اکبر و سوره حمد و توحید را با ترتیل (به آرامی و خوبی) خواندند و بعد از تمام شدن سوره توحید، به قدر یک نفس کشیدن صبر کردند. بعد دست خود را بلند کرده تا مقابل صورت ببرند و در حالی که ایستاده بودند گفتند: الله‌اکبر و پس از آن به رکوع رفتند و تک دست را به سر زانو گرفتند. انگشتان آن حضرت از هم باز بود. زانو را به عقب دادند، چنانکه پا راست شد و پشت آن حضرت طوری مسالوسی شد که قطره آبی بر آن می‌گذاشتند، به هیچ طرفی نمی‌ریخت.

گردن خود را کشیده و سر به زیر نینداختند و چشم را بر هم گذارند و سه مرتبه به آرامی گفتند: سبحان ربی العظیم و بحمده.

بعد راست ایستادند و چون خوب ایستادند، گفتند: «سمع الله لمن حمده» و در همان حال که ایستاده بودند، دست را تا مقابل صورت خود بلند کردند و گفتند: الله‌اکبر و بعد به سجده رفتند. دو کف دست را پیش زانو‌ها، مقابل صورت خود بر زمین گذارند و انگشتشان آن حضرت به هم گزاریه شده بود. سه مرتبه گفتند: سبحان ربی الاعلی و بحمده. اعضای بدن خود را از یکدیگر باز گرفته و بر هم نگذاره بودند (در حال سجده دست را به بدن نجسباندید و بدن را بر پا نگذاره بودند) و بر هشت موضع بدن خود که به زمین گزاریه بودند، سجده کردند که پیشانی و دو کف دست و دو سر زانو و دو سر انگشت بزرگ پا و سر بینی باشد.

پس از آن سر از سجده برداشتند و وقتی نشنستند گفتند: الله‌اکبر و به ران چپ نشسته، پشت پای راست را بر کف پای چپ گذارند و گفتند: «استغفر الله ربی و اتوب الیه» و دوباره در حالی که نشسته بودند، گفتند: الله‌اکبر. و بعد به سجده دوم رفتند و مانند سجده اول، سجده دوم را تمام کردند و در رکوع و سجود هیچ یک از اعضای بدن را بر یکدیگر نگذاره بودند و موقع سجده آرنج دست خود را با نگاه داشته و به زمین نگذاره بودند. در حال تشهّد خواندن، پیشانی دست آن حضرت از یکدیگر باز بود و به این کیفیت دو رکعت نماز خواندند و پس از تشهّد و تمام شدن نماز فرمودند: گذارن هفت موضع در وقت سجده به روی زمین واجب است و پیشانی و دو کف دست و دو سر زانو و دو سر انگشت بزرگ پا باشد و اما گذارن بینی بر زمین: سنت (مستحب) است و آنها همان مواضع است که خدا در قرآن فرموده است: «وَ ان الْمَسَاجِدَ لِلّٰهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ اَحَدًا»؛ و سجده گاه‌ها از آن خداست و با وجود خدای یکتا کسی را به خدایی مخوانید. (چن، آیه ۱۸)

با پایان نماز حضرت به حماد فرمودند:ای حماد، این چنین نماز بخوان.
منبع: آملی صدوق، ص ۳۲۷

ضرورت عاقبت اندیشی در بیان پیامبر اکرم(ص)

شخصی آمد خدمت رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و عرض کرد: یا رسول‌الله! به من نصیحتی و موعظه‌ای فرمایید. نوشتند که ایشان سہبار این جمله را تکرار کردند، فرمودند:

آیا اگر من بگویم، تو به کار می‌بندی؟ گفت: بله. (البته این تکرار برای این بود که جمله‌ای که می‌خواستند بگویند، بیشتر در ذهنش رسوخ پیدا کند و بفهمد که جمله بارزشی است و نباید فراموش کند) بعد فرمود: اِنَّهُمَنْ يَلْمِزْ فُلَانًا عَاقِبَتُهُ، هر گاه می‌خواهی کاری را انجام دهی، اول درباره عاقبت آن کار تدبیر کن بعد تصمیم بگیری.

اساساً لغت «تدبیر» که از ماده «دَبَّرَ» است، همان مفهوم عاقبت‌بینی را دارد. تدبیر و ادباز از یک ماده هستند.

اقبال و ادباز که ما می‌گوییم، اقبال رو آوردن است و ادباز پشت کردن. تدبیر معنایش این است که انسان آن نهایت امر، آن عاقبت کار و آن پشتسر

کار را ببیند، تنها چهره کار را نبیند.

هر کاری یک چهره‌ای دارد و یک پشت‌سری. انسان غالباً چهره کار را می‌بیند ولی پشت‌سر کار را نمی‌بیند، مگر اینکه از آن کار رد شده باشد.

آن وقت هست که کسی از پشت‌سر می‌بیند.

بسا هست که کاری چهره‌اش یک جور است، پشت‌سرش جور دیگر.

تدبیر به عاقبت این است که انسان قبل از اینکه کاری را انجام دهد، از پشت‌سر هم آن کار را مطالعه کند.

استاد شهید مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۵۷

تضرع حالتی در انسان است که بدون واهمه و نگرانی فریاد ذلت و ضعف در پیشگاه خدا سر می‌دهد و از خدا می‌خواهد تا او را از شرور برهاند و خیرات را بر او نازل کند. براساس آموزه‌های قرآن، تضرع انسان به‌نگام مصیبت و رنج و سختی نه‌تنه‌ای پیاکنگ حالت بنداری و بازگشت به فطرت الهی است، بلکه برطرف‌کننده مصیبت‌های موجود فعلی و دفع‌کننده مصیبت‌های احتمالی آینده بلکه حتی جلب‌کننده نعمت‌های الهی و توجهات و عنایت خدایی برای شخص متضرع است. بنابراین، شناخت این حالت و آثار آن در زندگی دنیوی و برکات اخروی آن لازم و ضروری است.

نویسنده با مراجعه به آموزه‌های قرآن بر آن است تا ضمن بیان فلسفه مصیبت‌ها، شرایط تحقق «تضرع» و آثار تحقق آن بلکه حتی آثار ترک تضرع را بیان کند.

فلسه مصیبت‌ها و آثار تضرع

یکی از فرمان‌های الهی در قرآن، دعا به پیشگاه خدا در حالت تضرع و نهان است، چنان که می‌فرماید: ادعوا ربکم تضرعاً وخفیةً انه لاجیب المعتدین؛ پروردگار خود را (آنکارا) از روی تضرّع، و در پنهانی، بخوانید(و او تجاوب، دست بردارد که) و متجاوزان را دوست نمی‌دارد(اعراف، آیة ۵۵) خدا در قرآن به پیامبرش سفارش می‌کند: پروردگارت را در دل خود، از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام، مسحکانه و شامگانه، یاد کن و از غفلان مباش! (اعراف، آیة ۲۰) از این آیه به دست می‌آید که ذکر خدا با تضرع و پنهانی خوب است و نباید فریاد یا همان «جهر در قول» داشته باشد؛ زیرا به دور از ادب در پیشگاه خدا است؛ بنابراین، کسانی که اهل ذکر هستند با فریاد خدا را نخوانند(همسان)؛ زیرا هر چند که جواز فراتر از نجوا به شکل «داد» شده است، ولی منادات در کنار مناجات جیغ و فریادزن نیست؛ از همین‌رو از فریادزن در دعا نهی شده است(همان)

به هر حال، یکی از اصول دعوت الهی، دعا و یاد خدا بد با تضرع و پنهانی بی‌داد و فریاد آشکار به‌ویژه در باسدانان و شامگهان است؛ زیرا دعا با چنین شرایطی انسان را از قرارگیری در جرگه «متجاوزان و زیاده‌روی کنندگان» می‌راند(اعراف، آیة ۵۵) و یاد خدا با این روش انسان را از قرارگیری در جرگه «غافلان» باز می‌دارد.(اعراف، آیة ۲۰) پس اگر کسی بخواهد جزو اهل عدالت و یاد ذکر و رهیده از تعدی و غفلت باشد، می‌بایست از «تضرع» بهره گیرد.

البته از نظر قرآن، بسیاری از مردم گرفتار تعدی و زیاده‌روی و غفلت هستند، و با تضرع و پنهانی و ذکر و دعا نمی‌پردازند؛ از همین‌رو خدا برای قراردادن این افراد، نزول مصیبت بهره می‌گیرد؛ زیرا از نظر آموزه‌های قرآن، یکی از فلسفه‌های نزول مصیبت‌ها ایجاد شرایط تضرع در انسان است.(انعام، آیات ۴۲ و ۶۳، اعراف، آیة ۹۴)

اصولاً هنگامی که بر انسان مصیبتی وارد می‌شود، در آغاز به صورت نهان تجات خود را از خدا می‌خواهد، و با شدت‌یافتن مصیبت و ظهور آثار نومیدی و انقطاع و بریدشدن از اسباب به سبب عدم تأثیر آن مثل عدم‌تأثیر دارو و درمان یا صرت دیگران، بدون نگرانی از اطلاع‌یافتن دیگران با ضعف و ذلت خویش به صورت عنی و آشکار در پیشگاه خدا تضرع می‌کند و ذلت و ضعف خویش را بیان کرده و با آه و اشک و ناله و انابه از خدا می‌خواهد تا بر او رحمی کرده و او را از مصیبت برهاند. البته گاه فشارها فراتر از این نیز می‌رود و مصیبت چنان سهمگین و توان‌فرسا است که انسان به حالت «جور» می‌افتد و در دعا به پیشگاه خدا و تضرع به افراط کشیده می‌شود.(نحل، آیة ۵۳، مقررات الفاظ قرآن کریم، ص ۲۱۱، ذیل ماده «جنر»)

چنین اظهار ذلت و ضعف آشکار از انسان یکی از اسباب جلب رحمت الهی است که بد خدا نیا توجه می‌دهد تا در هنگام مصیبت و سختی از آن بهره گیرد. (اعراف، آیة ۵۵)

به نظر می‌رسد که «تضرع» هنگامی رخ می‌دهد که فشاری سهمگین و توان‌فرسا و فراتر از طاقت انسان بر او وارد شود که امان از او برده و باقی آشکار شدن ناتوانی و ضعف و ذلت خود نداشته باشد؛ همچنین تضرع به پیشگاه خدا وقتی است که انسان متوجه خدا به عنوان منشأ مصیبت و رحمت شود و دخالت اسباب را در چارچوب مشیت و اراده او بداند و از تأثیر اسباب نومید شده و از غیر خدا بریده و به سوی او به عنوان مالک ملک و ملکوت بازگردد و تنها به رحمت او امید داشته باشد؛ زیرا واژه «تضرع» از «ضرع» به معنای اظهار ضعف و ذلت است.(مقررات الفاظ قرآن کریم، ص ۵۰۶)

معارفMaarefKayhan@Kayhan.ir

خدا برای آنکه انسان فراموشسکار و غافل را متذکر شود، او را به مصیبت‌ها می‌اندازد تا به فطرت خویش بازگردد و عیب و نقص و فقر وجودی خویش را در برابر خدای سبحان دریابد و با تضرع نه‌تنه‌ا اظهار ندامت و ذلت و ضعف کند، بلکه با زندگی در مدار و محور دین و حرکت در صراط مستقیم عبودیت خود را به سوی اهداف حکیمانه الهی بکشاند و از عذاب‌های دنیوی و اخروی هلاکت بار برهاند.

باید توجه داشت که اصولاً انسان گرایش به نهان کردن ضعف و ذلت و فقر خویش دارد؛ زیرا آن را ضدکمال می‌داند و دوست ندارد عیب و نقص او آشکار شود؛ از همین‌رو اگر مصیبت در اندازه توان و طاقت او باشد، آن را تحمل می‌کند و اگر کمی افزایش یابد، در گوشه‌دور از چشم و انظار با مناجات برای رهایی از فشار تلاش می‌کند، اما وقتی مصیبت بیرون از توان و طاقت باشد و راهکارهای رهایی را بی‌تأثیر بباید، عنان اختیار از کف می‌دهد و بدون نگرانی و ملاحظه از آشکارشدن و ضعف و ذلت و فقر خویش، ناله و فریاد بر می‌آورد و با حق و ضجه و اشک و آه، خدا را می‌خواند تا او را

تضرع راهی برای جلب رحمت خدا

علی پوریا



براساس گزارش‌های قرآنی، تضرع به‌ عنوان ذکرالله(اعراف، آیة ۲۰۵) و اِسْرارِ دعا(اعراف، آیة ۵۵) دارای آثاری است از جمله: رهایی از «غفلت» و قرارگرفتن در جرگه غافلان(اعراف، آیة ۲۰۵)، رهایی از تعدی و زیاده‌روی و قرارگرفتن در جرگه متجاوزان(اعراف، آیة ۵۵)، رهایی از مصیبت‌ها(انعام، آیات ۶۳ و ۶۴، انبیاء، آیات ۸۲ و ۸۳)، مصونیت از عذاب ناگهانی یا عذاب شدید(انعام، آیات ۴۲ و ۴۴، اعراف، آیات ۹۴ و ۹۵)، رهایی از بی‌شعوری(اعراف، آیات ۹۴ و ۹۵) و بهره‌مندی خودرودی(ی، آیة مؤمنون، آیات ۷۶ و ۷۷)، بهره‌مندی از آثار ذکرالله (اعراف، آیة ۲۰۵) و مانند آنها. از همین‌رو خدا یکی از رسالت‌های پیامبران را تبیین نقش مهم و اساسی «تضرع» در زندگی انسان دانسته است؛ زیرا

یا روشی در دعا و نیایش، هیچ توجه و اعتنایی به تضرع ندارند و این‌گونه است که از آثار تضرع بهره‌مند نمی‌شوند، بلکه در زندگی دنیوی و اخروی به انواع عذاب‌های شدید و ابدی گرفتار می‌آیند.

بسیاری از مردم حتی در شرایط مصیبت و رنج، از تضرع به درگاه خدای روی گردان هستند؛ زیرا با توجهی به علل و عوامل مصیبت و خاستگانه آن ندارند، یا چنان گرفتار قساوت قلب شده‌اند که گرایشی به خدا و دعا و ذکرالله ندارند تا تضرعی داشته باشند.(انعام، آیات ۴۲ و ۴۳) اصولاً از نظر قرآن، اموری چون: قساوت قلب(انعام، آیات ۲۲ و ۴۳)، رفاه و آسایش(همان)، شیطنت شیطان و تزیین‌گری (او همان)، غفلت از خدا(اعراف، آیة ۲۰۵) و چنین افرادی به اکثریت مردم را تشکیل می‌دهند؛ از آثار تضرع بهره‌ای نمی‌برند، بلکه با ترک تضرع خود را گرفتار شرایط غفلت و نسیان و مانند آن می‌کنند و حتی نه‌تنها از مصیبت‌ها رهایی نمی‌یابند بلکه در‌های عذاب‌های دیگر و شدیدتر و ناگهانی را بر خود می‌گشایند.(انعام، آیات ۴۲ تا ۴۵؛ اعراف، آیات ۹۴ و ۹۵؛ مؤمنون، آیات ۷۶ و ۷۷) افسرد تارک تضرع جزو جرگه غافلان(اعراف، آیة ۲۰۵)، متجاوزان و از حد گذرندگان(اعراف، آیة ۵۵) و ظالمان(انعام، آیات ۲۳ تا ۴۵) تا دسته‌بندی می‌شوند و در صورت عدم توجه به سنت مصیبت و عدم گرایش به تضرع، نه‌تنها گرفتار سرزنش و توبیخ الهی می‌شوند(همان)، بلکه گرفتار سنت استدراج می‌گردند که شخص در شرایطی قرار می‌گیرد خدا در‌های همه نعمت‌ها را برایش می‌گشاید تا جایی که گرفتار بدستی از خوشحالی می‌شود و ناگهان بی‌آنکه احساس کند، جانش را می‌گیرد و به دوزخ می‌افتد(همان). بنابراین، فرقی میان متضرع رهیده از مصیبت با غیرمتضرع رهیده از مصیبت است؛ زیرا متضرع با تضرع خویش نه‌تنها از مصیبت کنونی می‌رهد و رفع مصیبت می‌شود، بلکه عذاب‌های ناگهانی از او دفع شده و مصونیت می‌یابد، اما تارک تضرع ممکن است از مصیبت برهد، بلکه چنان گرفتار رفاه و آسایش استدراجی شود که در عین بی‌شعوری و غفلت و نسیان جانش را با عذابی سخت بگیرند و به دوزخ افکندند(همان) در حقیقت هلاکت، سرنوشته محکوم کسانی است که تارک تضرع به‌ویژه در هنگام مصیبت‌ها هستند(همان)

دعا و ذکرالله در همه احوال از جمله هنگام مصیبت‌ها می‌تواند انسان را از مصیبت‌های فعلی و عذاب‌های آینده برهاند، بلکه جلب رحمت الهی کند و شرایط را بهبود بخشد؛ اما بسیاری از مردم چنین رویه‌ای را در پیش نمی‌گیرند تا جایی که چنان گرفتار غفلت و نسیان خدا و ذکرالله و مانند آنها می‌شوند که وقتی زمان هلاکت می‌رسد، دیگر تضرع و انابه ایشان هیچ سودی ندارد.(مؤمنون، آیات ۶۴ تا ۶۷) پس تضرع هنگام عذاب هیچ سودی برای غافلان کافر و مترف و پیاِسگار و بدگو و باوَسرا ندارد(همان)، چنان‌که توبه و استغفار و ایمان به‌هنگام احتضار سودی ندارد. البته از نظر قرآن، خدا مواره بر مردمان رحم می‌کند و آنان را تا اتمام حجت به جلب خودشان رها می‌کند یا به آنان فرصت دوباره می‌دهد، اما وقتی چندباری نجات داد، ولی دوباره به همان رویه گذشته بازگشتند، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران

برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و تضرع و انابه دارند، اما وقتی مشکلسان حل شود، یا به خدا شرک در اسباب می‌ورزند و نجات خویش را به غیر خدا نسبت می‌دهند یا آنکه اصولاً به جای شکر و نعمت و بازسازی در رفتار و عقیده خویش، کفر و کفران می‌کنند؛ در نتیجه، خدا آنها را مجازاتی سخت می‌کند؛ بی‌آنکه توجهی داشته باشند. همچنین برخی از مردم به هنگام شایید یاد خدا می‌افتند و